رفیق عباس صابری عضو رهبری حزب رنجبران در مسلخ خمینی به شهادت رسید

"مردن بهرحال ناگوار است، بویژه برای کسانیکه صاحب عقیده هستند و قلبشان آکنده از امید به آینده، امید به آینده‌ی روشن و تابناک است. ولی زنده ماندن بهرقیمت، بهرشرط نیز شایسته‌ی انسانها نیست. زیرا هرگز نباید راه هدف را منتفی سازد. اگر زنده ماندن مشروط به هتک حیثیت، تن دادن به پستی، گذشتن از آبرو، پا نهادن برسر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی باشد مرگ صدبار بر آن شرف دارد."

خسرو روزبه

رفقا، انقلابیون و آزادیخواهان!

درسپیده‌دم روز ۱۴ مرداد، رگبار گلوله‌های جلادان رژیم خمینی سینه مالامال ازعشق به خلق رفیق عباس صابری عضو رهبری حزب ما را مشبک ساخت و دفترچه پرمضمون حیات وی را بست.

رفیق عباس صابری شاگرد صدیق مکتب زحمتکشان، یار صدیق و تا به آخر وفادار پابرهنه‌ها، پس از پشت سر نهادن ۲۰ سال مبارزه خستگی ناپذیر برعلیه امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و عمال آنها بالاخره جان خود را بخاطر رهائی پرولتاریا و خلقهای ستمدیده ایران فدا نمود.

خون رفیق عباس صابری که بهمراه خون بسیاری از کمونیستها و آزادیخواهان همچون سعید سلطانپور، محسن فاضل، کزیم دستمالچی و .... بزمین ریخت. بی شک نهال جنبش انقلابی میهن ما را بارورتر ساخته و آینده تابناک خلقهایمان را نوید میدهد.

رفیق عباس صابری دربهمن ماه ۱۳۲۵ در اهواز متولد گردید و درمیان دریائی از فقر، ستم و مبارزه در فقیرترین محله‌ی جنوب اهواز بزرگ شد و از همان سالها با افراد مبارزی که از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد جان سالم بدربرده بودند، آشنا شد. این آشنائی مسیر زندگی او را تعیین کرد.

دردوره‌دوم دبیرستان (۴۴-۴۱) مبارزه عملی‌اش را با شرکت درتهیه روزنامه‌دیواری و برپائی مجالس هفتگی سخنرانی، شعارنویسی روی دیوارها و تلاش برای تشکیل یک گروه انقلابی آغاز کرد. از سال ۴۵ وارد جنبش دانشجوئی شد و با همراهی تعدادی از پیشروان دانشجویان دانشگاه تهران، پلی تکنیک، دانشسرایعالی، مدرسه‌عالی بازرگانی (دانشکده مهدی رضائی کنونی) در براه انداختن تظاهرات و مبارزات دانشجوئی شرکت کرد. تعدادی از همرزمانش منجمله منیژه اشرف زاده کرمانی، بهروز صنعتی، سیروس سپهری، عباس جمشیدی رودباری، ...... بعدها درجریان مبارزه برضد رژیم مزدور شاه قهرمانانه بشهادت رسیدند و بسیاری دیگر سالها گرفتار زندان و شکنجه شدند. در زمستان سال ۱۳۴۶ بدنبال شهادت جهان پهلوان تختی همراه با گروه دانشجویان پیشرو دانشگاه تهران و مدارس عالی تهران، مراسم تاریخی و پرشکوه هفتم و چهلم شهادت تختی را سازماندهی کرد که به راهپیمائی و تجمع عظیم ملی منجر گردید. راه‌پیمائی و تظاهراتی که طی سالهای بعد از کودتا تا آن زمان سابقه نداشت. بدنبال مراسم شب چهلم تختی همراه با تعداد دیگری از رفقا، همگام [illegible] یک جا [illegible] اعلامیه اعتراضی نسبت به دستگیری جمعی از نمایندگان دانشجویان را تهیه کرد. توسط ساواک دستگیر و در بند دو انفرادی قزل قلعه زندانی شد. در آنجا فرصتی پیش آمد تا با رفقای شهید عزیز بیژن جزنی، حسن ضیاءظریفی و ...... که چندماه پیش از آن دستگیر شده بودند، برخورد و مشورت گردد. در

بهار ۱۳۴۷ چندروزپس ازآزادی اززندان، باردیگردستگیروازدانشکده اخراج گردیدودربازداشتگاه ژاندارمری تهران زندانی شدوسپس همراه بادوژاندارم مسلح تحت الحفظ به پادگان مزدوران (واقع در ۸۰ کیلومتری جنوب سرخس درمرزایران وروسیه) فرستادند. دردوره سربازی همراه باعده دیگری ازهمفکرانش تصمیم گرفتندکه مبارزه مسلحانه راآغازکنندواین نطفه تشکیل گردیدکه بعدها بدنبال دستگیری عده‌ای ازرفقادرمرزایران وعراق به "گروه فلسطین" معروف شد. هدف این گروه این بودکه به فلسطین رفته وضمن شرکت درجنگ برضداشغالگران صهیونیستی، دوره نظامی دیده وبرای شروع مبارزه مسلحانه بایران بازگردد. بدنبال دستگیری عده‌ای ازرفقادرسرمرزوعده زیادتری درداخل ایران، برنامه گروه باشکست روبروشدوپس ازآن راه تازه‌ای درپیش پای بقایای گروه که توانسته بودندبه عراق برونـدبازشد.

درهمین جابودکه رفیق صابری به صفوف سازمان انقلابی پیوست وبارهنمودسازمان انقلابی، مخفیانه بایران بازگشت وتحت هدایت رفقای شهیدپرویزواعظ زاده ومهوش جاسمی به فعالیت پرداخت. بدنبال ضربه‌ای که درآذر ۱۳۵۵ برسازمان انقلابی واردگردیدورفقا واعظ زاده، طوافچیان و جاسمی به شهادت رسیدند، رفیق صابری، همراه با رفقای دیگربه سازماندهی مجددتشکیلات پرداخت وسرانجام دراول شهریورماه ۱۳۵۷، درزمان اوجگیری انقلاب، دستگیرشدودردیماه همان سال بدون اینکه ساواک پی به هویت اصلی اوبرده باشد، براثرپیروزیهای مردم وپیشروی انقلاب، اززندان قصرآزادگردید.

پس ازآزادی، وی باشوروشوق درانقلاب شکوهمندضدامپریالیستی ودمکراتیک مردم شرکت جست.

پس ازپیروزی انقلاب رفیق صابری که سالها برای ایجادستادپیش آهنگ پرولتاریای ایران، خستگی ناپذیرمبارزه نموده بود، نقش فعالی درایجادحزب رنجبران ایران بعهده گرفت. پس ازتشکیل حزب اوبه عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب شدومسئولیت رهبری شاخه حزب درخوزستان بوی محول گردید.

رفیق صابری دربسط وگسترش پایه‌های توده‌ای حزب درخوزستان وپرورش اعضاء حزبمان باروحیه انقلابی خدمت بخلق ومیهن نقش تعیین کننده‌ای داشت.

رفیق صابری نمونه بزرگ میهن پرستی درصفوف جنبش کمونیستی ایران است. بمحض تجاوزارتش فاشیستی عراق بخاک ایران، رفیق صابری بنابه تصمیم حزب‌برپای ایجاددسته‌های مقاومت مسلحانه درخوزستان رفت ودرمدتی کوتاه گروه "بشیر" رابوجودآورد. گروه بشیرکه تحت رهبری رفیق صابری بود، همراه باتوده‌های زحمتکش خوزستان درخط اول جبهه جنگ به نبردبامتجاوزین پرداخت. درگروه "بشیر" دونفرازاعضای برجسته حزب، شهیدحسینعلی کایدان وشهیدمحمودتاجدینی قهرمانانه جان خودرادرراه دفاع ازمیهن فداساختند.

رفیق صابری کینه ونفرتی عمیق بدشمنان خلق وعشقی بی پایان به توده‌های مردم داشت. ایمان عمیق اوبخلق اورابیک انقلابی جسوربدل ساخته بود. رفیق صابری درطول زندگی پرافتخارش بارها به زندان افتادوشکنجه شد، امااز تمام آزمایشهای سخت، سربلندوسرافرازبیرون آمد.

درماههای اخیرکه ارتجاع یورش گسترده‌ای برعلیه انقلابیون وآزادیخواهان راسازمان داده، رفیق صابری بی هراس ازمرگ وقربانی بپای انجام تاآخروظائف حزبی رفت.

غم ازدست دادن صدهانفرازانقلابیون ومیهنپرستان کمونیست، اسلامی وملی گرا، همراه باکینه ونفرت عمیق به رژیم ارتجاعی خمینی وشرکایش حزب توده وفدائیان اکثریت، نیروئی عظیم دروجودرفیق صابری بوجودآورده بود. باهمین نیروی ایمان بودکه رفیق صابری تاپای چوبه اعدام به مبارزه قهرمانانه خوادامه دادوبالاخره همراه دسته‌ای ازاعضاء سازمان مجاهدین خلق ایران درمقابل جوخه آتش قرارگرفت.

رفقا، انقلابیون، وهم میهنان!

جنبش کمونیستی ایران، باشهادت رفیق صابری یکی ازسربازان صدیق ویکی ازرهروان پیگیرخودرا ازدست داد.

بدون شک خبرشهادت رفیق عباس صابری همانندشهادت صدهاکمونیست وانقلابی دیگرهمه ماراغرق درغم واندوه میسازد. امامابایداین غم واندوه واین فاجعه بزرگ رابه نیرومبدل کنیم ووظایفی که درپیش داریم رابسرانجام رسانیم، برای پیوندباکارگران ودهقانان، برای ایجادجبهه وسیع متحدخلق، برای سرنگونی رژیم ارتجاعی خمینی واستقرارحاکمیت خلق بپیش رویم. پیروزی خلق ماحتمی است وسپیده درحال دمیدن است.

اعضاء وهواداران حزب رنجبران ایران (آلمان غربی)